

تولید صیانتی در قراردادهای مشارکت در تولید

آرزو ملکشاہ، دکتری فقه و حقوق خصوصی

چکیده

امروزه نفت از مهم‌ترین منابع انرژی اقتصادی شناخته می‌شود و کشور ایران به‌عنوان یکی از دارندگان بزرگ نفت و گاز در جهان است. نفت در اقتصاد کشور ایران جایگاه ویژه‌ای دارد و بخش اعظم بودجه‌ی کشور از فروش نفت، تامین می‌شود. اکتشاف و بهره‌برداری از میدان نفتی در کشورهای نفت‌خیز از اهمیت بالایی برخوردار است و این کشورها پیوسته در حال رقابت با یکدیگر به‌منظور جذب سرمایه‌ی خارجی هستند. یکی از موارد مهم در قراردادهای نفتی مسئله‌ی تولید صیانتی است. در واقع بهره‌برداری از مخازن نفتی زمانی بهینه است که اهداف و سیاست‌های نفتی آن کشور محقق شود. سوال اصلی این مقاله آن است آیا در قرارداد مشارکت در تولید به مسئله‌ی تولید صیانتی توجه شده است و تولید صیانتی در این قراردادها محقق می‌شود؟ و در پایان راهکارهایی هم ارائه شده است.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال نویسنده: ۹۹/۰۵/۱۵

تاریخ ارسال به داور: ۹۹/۰۵/۲۶

تاریخ پذیرش داور: ۹۹/۰۶/۲۷

واژگان کلیدی:

تولید صیانتی، قرارداد مشارکت در تولید، شرکت‌های نفتی، مخازن نفتی.

مقدمه

منابع و شرکت بین‌المللی نفتی به‌عنوان بهره‌بردار باشد و یا تاثیر حاصل از رفتار پیمانکار در آن قرارداد به نحوی بر شکل‌دهی رفتار بهره‌بردار در طول عمر مخزن تاثیرگذار باشد، مهم‌ترین معیار مطلوب بودن این قرارداد از نظر دولت این خواهد بود که استفاده از آن، امکان و انگیزه‌ی برنامه‌ریزی تولید بهینه در طول عمر مخزن را توسط بهره‌بردار فراهم کند. به هر میزان که قرارداد موردنظر، موجب فاصله گرفتن بهره‌بردار از مسیر تولید بهینه شود، آن قرارداد از وضعیت مطلوب فاصله گرفته و لذا اصلاح بندهایی از این قرارداد که باعث ایجاد این وضعیت می‌شود، ضروری است. [۱]

در قرارداد مشارکت در تولید، شرکت طرف قرارداد درصدی از نفت تولید شده را به‌عنوان حق‌الزحمه‌ی خود دریافت می‌کند. شرکت‌های نفتی معمولاً تمایل زیادی به انعقاد قرارداد مشارکت در تولید دارند، زیرا که قادر خواهند بود سهم خود را به‌صورت بشکه نفت دریافت کنند و لذا درآمد آنها با افزایش قیمت نفت‌خام افزایش خواهد یافت. شرکت‌های نفتی معمولاً استدلال می‌کنند که چون در قراردادهای مشارکت در تولید ریسک کاهش قیمت را پذیرفته‌اند پس باید مالک درآمدهای حاصل از افزایش قیمت نیز باشند. برخی نویسندگان معتقدند این استدلال قانع‌کننده نیست، چون به نفع شرکت‌های طرف قرارداد است و آنها را در درآمدهای بادآورده‌ای که حاصل افزایش قیمت نفت‌خام است سهیم می‌کند. این افزایش قیمت ناشی از تحولات بازار جهانی نفت است و شرکت‌های نفتی خارجی هیچ‌گونه نقشی در ایجاد آن نداشته‌اند.

یکی از نکات مهم در قراردادهای نفتی، انطباق آن با سیاست‌های تولید صیانتی است. از این‌رو این مسئله در تعیین نوع قرارداد از اهمیت فراوانی برخوردار است. در واقع بهره‌برداری از مخازن نفتی زمانی بهینه است که اهداف و سیاست‌های نفتی آن کشور محقق شود. پس انتخاب نوع قرارداد برای رسیدن به این اهداف مهم است. در واقع مدیریت بهینه‌ی مخازن در این‌گونه قراردادها از موارد مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. اصول حاکم بر تولید صیانتی، برداشت بهینه از مخازن نفتی از نکات مهم قراردادهای نفتی محسوب می‌شود، اما در قراردادهای نفتی به دلیل تاکید بر ازدیاد برداشت و کسب حداکثر منافع اقتصادی، این مسئله کمتر مورد توجه قرار گرفت.

با توجه به هدف اصلی دولت به‌عنوان مالک مخزن در بخش نفت و گاز، زمانی می‌توان یک قرارداد را مطلوب ارزیابی کرد که در آن امکان حداکثرسازی ارزش اقتصادی مخزن در طول عمر آن فراهم باشد. این هدف در شرایطی محقق می‌شود که مقدار استخراج از مخزن در هر زمان به نحوی تعیین شود که با در نظر گرفتن هم‌زمان ویژگی‌های زمین‌شناسی، شرایط بازار و نرخ زمانی بهره‌بردار، مجموع جریان ارزش خالص انتظاری از بهره‌برداری از مخزن در طول عمر آن حداکثر شود. به مقادیر استخراج از مخزن در طی سال‌های عمر آن که تامین‌کننده‌ی شرایط فوق باشد، اصطلاحاً مسیر بهینه‌ی تولید گفته می‌شود، بنابراین در صورتی که یک قرارداد مبنای تنظیم مناسبات بین دولت به‌عنوان مالک

* نویسنده‌ی عهد‌دار مکاتبات (amalekshsh72@yahoo.com)

۲-۲- قرارداد مشارکت در تولید

قرارداد مشارکت در تولید برای اولین بار در اندونزی اجرا شد و امروزه، بیش از ۱۰ درصد از تولید نفت و گاز از طریق چنین توافقی انجام می‌شود. [۴] قرارداد مشارکت در تولید، رایج‌ترین شیوهی قراردادی در توسعه‌ی صنعت بالادستی نفت جهان به حساب می‌آید و همچنان در کشورهای نظیر اندونزی، مصر، غنا، روسیه، بحرین، رومانی، سوریه، قزاقستان و... به کار گرفته می‌شود. در یک قرارداد مشارکت در تولید که به اشکال مختلف منعقد می‌شود، دولت میزبان به عنوان مالک مخزن، پروانه‌ی بهره‌برداری و تولید از آن را با شرایط خاصی که در قرارداد قید شده به شرکت نفتی واگذار می‌کند. شرکت نفتی نیز، همچون قرارداد امتیازی، به سرمایه‌گذاری در کل عملیات تولیدی و بهره‌برداری از مخزن می‌پردازد و حاصل تولید پس از کسر هزینه‌های شرکت نفتی که با بخشی از نفت تولیدی پرداخت می‌شود به نسبتی که در قرارداد قید شده، بین دولت کشور میزبان و شرکت نفتی تسهیم می‌شود. [۵] در واقع این قرارداد زیرمجموعه‌ای از قراردادهای مشارکت است که در شرایط خطرپذیری و یا غیر آن به کار می‌آید. در قراردادهای مشارکتی حتی تمام انواع خطر می‌تواند تحت پوشش قرار گیرد و یا تنها شامل خطرپذیری اکتشاف باشد. به هر حال در شرایط خطرپذیری، در صورتی که شرکت سرمایه‌گذار قادر به اکتشاف نفتی یا گازی نباشد باید کلیه‌ی هزینه‌ی سرمایه‌گذاری شده را تقبل کند. [۶]

۳- تولید صیانتی در قرارداد مشارکت در تولید

هر مخزن نفتی مانند یک موجود زنده به برنامه‌ریزی، نگهداری، تغذیه و مراقبت نیاز دارد تا بتواند بیشترین بهره و بازدهی را به خود اختصاص دهد. مدیریت صحیح بر مخازن به معنای انجام این فعالیت‌ها برای جلوگیری از تخریب مخزن است که نتیجه‌ی عملی آن می‌تواند برداشت حداکثری و بلندمدت از مخزن باشد، ضمن توجه به این نکته که تولید متوازن می‌تواند از آسیب رساندن به مخزن جلوگیری کند. مقدار نفتی که از یک مخزن در اثر انرژی طبیعی مخزن تولید می‌شود، بازیافت اولیه نام دارد. برای افزایش بازیافت نفت خام روش‌های مختلفی همچون تزریق گاز یا آب به مخزن وجود دارد. با تزریق، فشار مخزن تامین یا تقویت شده و انرژی لازم برای رانش نفت بیشتر به سطح زمین ایجاد می‌شود که میزان نفت حاصل از این روش را بازیافت ثانویه می‌نامند. امروزه در دنیا روش‌های مختلفی برای صیانت از ذخایر نفت خام و افزایش ضریب بازیافت نفت اعمال می‌شود که با توجه به ویژگی‌های هر

اصل حاکمیت و مالکیت بر منابع نفتی و رعایت حقوق و منافع ملی در جریان عملیات نفتی ایجاب می‌کند که این درآمدهای بادآورده فقط نصیب صاحب مخزن شود. ناگفته نماند هیچ‌گاه شرکت‌های نفتی ادعا نکرده‌اند که به همان نسبت افزایش قیمت نفت در سود شریک باشند بلکه سهم‌بری آنان معمولاً به صورت پلکانی است و با افزایش قیمت نفت این رقم به شدت کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، مشارکت شرکت نفتی در افزایش قیمت می‌تواند بر اساس مقیاس متغیر باشد که طبعاً این نگرانی را کاهش می‌دهد. با وجود این هیچ توجیه منطقی حتی برای یک درصد سهم‌بری شرکت نفتی در سود حاصل از افزایش قیمت نفت وجود ندارد. [۲]

در این مقاله به بررسی تولید صیانتی در قرارداد مشارکت در تولید می‌پردازیم آیا در این قرارداد تولید صیانتی رعایت می‌شود و از مخازن نفتی استفاده بهینه می‌شود؟ و در پایان راهکارهایی برای این مسئله ارائه می‌شود.

۲- تبیین مفاهیم

قبل از ورود به بحث تولید صیانتی در قراردادهای مشارکت در تولید، ضروری است تا منظور از این اصطلاحات را مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۲- تولید صیانتی

موضوع تولید صیانتی برای اولین بار در قانون اصلاح قانون نفت مصوب خردادماه ۱۳۹۰ تعریف شده است. بر اساس بند ۷ ماده‌ی ۱ این قانون، تولید صیانت شده از منابع نفت عبارت است از: «کلیه‌ی عملیاتی که منجر به برداشت بهینه و حداکثری ارزش اقتصادی تولید از منابع نفتی کشور در طول عمر منابع مذکور می‌شود و باعث جلوگیری از اتلاف ذخایر در چرخه‌ی تولید نفت بر اساس سیاست‌های مصوب می‌شود.» دو نکته‌ی مهم در این تعریف وجود دارد:

حداکثرسازی ارزش اقتصادی: حداکثرسازی ارزش اقتصادی منابع نفتی در حقیقت دامنه‌ی تولید صیانتی را از فرآیند استخراج نفت و گاز و تولید نفت و گاز خام فراتر برده و به دنبال تولید محصولات نهایی حاصل از نفت و گاز تولیدی در کشور است. به تعبیر دیگر، نفت و گاز دیگر یک محصول نهایی محسوب نمی‌شوند.

طول عمر مخزن: از دیگر ویژگی‌های قانون اصلاحی جدید نفت، توجه به نگاه درازمدت به برنامه‌ی تولید مخزن است از این رو در انتخاب برنامه‌های تولیدی به میزان قابل استحصال ذخایر در طول عمر مخزن توجه می‌شود. [۳]

شده است، عملاً نتایج رضایت بخشی نداشته است. [۲]

تمرکز اصلی مفهوم تولید صیانتی بر حداکثرسازی ارزش اقتصادی منافع حاصل از یک مخزن در طول عمر آن است. بدیهی است توجه بیشتر به تولید صیانتی در برداشت از منابع فسیلی، نسل‌های آینده را در استفاده از این منابع، بیش از پیش منتفع می‌کند. از این رو، تولید صیانتی از مخازن نفت و گاز در یک رویکرد منطقی، ضروری و مورد تاکید است. [۸] در قراردادهای نفتی به‌ویژه قرارداد مشارکت در تولید از منظر تولید صیانتی باید این نکات را مورد توجه قرار داد: الف- کمیت و کیفیت تولید از مخزن در زمان، نقش اساسی در حجم تولید نهایی ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، این که در آینده چند درصد نفت درجا را می‌توان تولید کرد بستگی به این دارد که در گذشته و هم‌اکنون چه حجمی از ذخایر را با چه سرعتی برداشت کرده و می‌کنیم. تولید صیانتی مخزن بستگی به استفاده از مخزن دارد، بنابراین نمی‌توان فرآیندهای توسعه و تولید از مخزنی را طی قراردادی مثلاً ۱۵ ساله به یک شرکت نفتی واگذار کرد تا آن شرکت برای حداکثرسازی منافع خود در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، برداشت از مخزن را در فرآیند تخلیه‌ی طبیعی سرعت بخشد و برای حداکثرسازی ارزش اقتصادی مخزن در خلال مابقی عمر آن مخزن، برنامه‌ریزی بهینه کرد بدون آن که آثار منفی عملکرد ۱۵ ساله‌ی آن شرکت را در فرآیند تولید صیانتی نادیده گرفت. تولید نهایی از مخزن در خلال عمر مخزن به شرطی حداکثر می‌شود که فرآیند تولید توسط آن شرکت خارجی در خلال ۱۵ سال بهره‌برداری اولیه، دقیقاً بر اساس موازین تولید صیانتی انجام شده باشد.

ب- درصدی از نفت درجا که قابل استحصال است عمدتاً تابعی از اجرای صحیح و به‌موقع برنامه‌های IOR/EOR در مرحله‌ی تخلیه‌ی طبیعی است.

ج- با توجه به ساختار مخازن نفتی کشور، به‌ویژه در مناطق خشکی که نوعاً آهکی شکافدار است، تزریق گاز برای ازدیاد برداشت همواره بازده به‌مراتب بیشتری نسبت به تزریق آب دارد، لیکن ازدیاد برداشت از طریق گاز معمولاً بعد از گذشت چند سال ظاهر می‌شود. این ویژگی قطعاً بر بازدهی سرمایه‌گذاری لازم بر اجرای برنامه‌های IOR/EOR تاثیرگذار خواهد بود و لذا برای شرکت‌های نفتی خارجی که قرار است مدت زمان محدودی در میدان حضور داشته باشند، چندان سودآور نیست. [۲] در قرارداد مشارکت در تولید در ذیل تعهدات پیمانکار، به تولید صیانتی هم اشاراتی داشته است که مقرر می‌دارد: «تعهد پیمانکار به‌منظور کنترل و جلوگیری از دست دادن یا هدر رفتن نفت، تعهد به استفاده از

مخزن نفتی، با یکدیگر متفاوت هستند. یافتن روش بهینه برای افزایش بازیافت نفت از مخازن، نیازمند انجام مطالعات جامع و سپس اعمال روش مناسب است. برای تولید از هر مخزن باید برنامه‌ریزی کرد و قابلیت هر مخزن را ملاک عمل قرار داد.

بر اساس نتایج حاصل از مطالعات مخازن، برای دستیابی به نفت قابل استحصال از هر مخزن، باید به تعداد چاه‌های موردنیاز و همچنین روش چگونگی و رژیم برداشت نفت از مخزن توجه داشت. در تولید صیانتی باید به مجموع کل تولید از مخزن در خلال عمر مفید آن با توجه به محدودیت‌های ناشی از خصوصیات طبیعی و فعلی مخزن توجه کرد. ضریب بازیافت در حال حاضر در مخازن نفتی ایران حدود ۲۶ درصد است که نسبت به متوسط جهانی (۳۵ درصد) بسیار پایین است، به این معنا که در مقابل هر ۱۰۰ بشکه نفت موجود در مخزن نفتی، شرکت ملی نفت ایران با توجه به فناوری‌هایی که در اختیار دارد قادر است ۲۶ بشکه از آن را استحصال کند، بنابراین به‌منظور افزایش میزان نفت‌خام در کشور و به‌منظور دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در چشم‌انداز ۱۴۰۴ باید ضمن استفاده‌ی بهینه از میادین و مخازن نفتی موجود، به کشف میادین جدید اقدام شود. در کنار این امر استفاده از روش‌های بازیافت ثانویه به‌منظور افزایش ضریب بازیافت با استفاده از آخرین تکنولوژی و دانش فنی می‌تواند راهگشا باشد. [۷]

اگر تحریم فعلی آمریکا و تاثیر آن در کاهش تولید را نادیده بگیریم، مطالعات نشان می‌دهد که در شرایط عادی، سطح تولید بهینه‌ی نفت‌خام حدود ۳ تا حداکثر ۳/۵ میلیون بشکه در روز است. مهمترین اولویت در سیاست‌های نفتی، با توجه به اصل تأمین منافع ملی در بلندمدت، استمرار تولید در همین سطح برای حداکثر دو نسل دیگر است. تحقق این هدف جز از طریق اجرای صحیح برنامه‌های تثبیت فشار و فشارافزایی منطبق با ویژگی‌های هر یک از مخازن کشور امکان‌پذیر نخواهد بود. از این رو، ازدیاد برداشت در صدر اولویت‌ها در قراردادهای نفتی قرار می‌گیرد. [۲] قراردادهای نفتی صرفاً ابزاری برای تحقق اهداف مطلوب در سیاست‌های بهره‌برداری از مخازن نفتی است. با وجود این، سوابق بسیار طولانی کشور ما در قراردادهای نفتی نشان می‌دهد که محور اصلی این قراردادها، صرفاً کسب عایدات بیشتر از محل تولیدات حاصل از میادین نفتی بوده است. ناگفته نماند که شعارهایی همچون اصول حاکمیت و مالکیت بر منابع نفتی و رعایت حقوق و منافع ملی در جریان عملیات نفتی از جمله رعایت موازین تولید صیانتی از مخازن، انتقال دانش فنی و تربیت نیروی انسانی که تقریباً در همه‌ی قراردادهای نفتی تصریح

تلاش‌های معقول برای تولید نفت در حداکثر میزان بهره‌وری و ارائه به کمیته‌ی مدیریت، پس از تاریخ شروع تولید تجاری.» این شرط در قرارداد مشارکت در تولید زیاد مورد توجه قرار نگرفته و سازوکار آن مشخص نشده است. به نظر می‌رسد که کشورهای میزبان نسبت به این مسئله توجهی ندارند و همواره نسبت به این قراردادها به جنبه‌های مالی آن توجه دارند و سایر موارد قرارداد از جمله تولید صیانتی و برداشت بهینه از مخازن را مورد توجه قرار نداده‌اند.

۴- راهکار رفع چالش

از دیدگاه مدیریت بهینه‌ی مخازن، نخستین گام برای تحقق ازدیاد برداشت از مخازن نفتی، اتخاذ روش‌هایی است که منجر به جابه‌جایی آهسته‌تر نفت اما همراه با بازدهی بالاتر است. کاربرد این روش، به‌ویژه در مخازن نفتی کشور، نسبت به روش‌هایی که منجر به جابه‌جایی سریع نفت اما همراه با بازدهی کمتر است، به‌مراتب از اولویت بالاتری برخوردار است. به‌عبارت دیگر، در روش دوم، هدف این است که تولید از میدان در کوتاه‌مدت و میان‌مدت افزایش یابد تا به این ترتیب پیمانکار خارجی و نیز صاحب مخزن، هر دو از افزایش درآمد در کوتاه‌مدت و میان‌مدت برخوردار شوند. لیکن این افزایش تولید، استمرار نخواهد داشت و روند کاهشی تولید نفت به‌سرعت ظاهر خواهد شد. در روش اول، علی‌رغم پایین‌تر بودن سطح تولید روزانه در مقایسه با روش دوم، تولید از میدان در بلندمدت استمرار بیشتری خواهد یافت و لذا حجم نفت تولید شده در طول عمر مفید میدان، در مقایسه با روش دوم، به‌مراتب بیشتر خواهد بود، بنابراین می‌توان گفت که روش‌های نوع اول مستلزم جابه‌جایی آهسته اما بازدهی بالاتر است، با موازین تولید صیانتی سازگار بوده و منافع ملی را بهتر تامین می‌کند. [۲] چنانچه کشور میزبان در توسعه و تولید از یک میدان گاز میعانی بر اهمیت تولید صیانتی تاکید داشته باشد، قرارداد استفاده شده باید از ویژگی‌هایی برخوردار باشد که بتواند منجر به برداشت بهینه و حداکثری ارزش اقتصادی تولید از مخزن گاز میعانی شود. با توجه به روش‌های تولید صیانتی از مخازن گاز میعانی، مهمترین ویژگی‌های موردنظر در قراردادهای نفتی برای پوشش مناسب این روش‌ها به این شرح است:

- تامین هزینه‌های تولید صیانتی با توجه به خصوصیات مخازن گاز میعانی. همان‌گونه که در روش‌های صیانتی بهره‌برداری از مخازن گاز میعانی مستتر است، تولید صیانتی از این مخازن هزینه‌های زیادی به‌دنبال دارد و باید در قرارداد در این باره چاره‌ای اندیشیده شود.

- نحوه‌ی استهلاک هزینه‌ها و پرداخت سود به‌طرف دوم قرارداد متناسب با اجرای موازین تولید صیانتی. با توجه به نوسانات تولید از مخازن گاز میعانی در شرایط تولید صیانتی و تمرکز روش‌های صیانتی موردقبول بر جابه‌جایی زیاد نفت، اما آهسته. چنانچه در قرارداد انتخاب شده هزینه‌ها و سود شرکت عامل از محل محصولات میدان مستهلک و پرداخت شود، شرکت عامل باید این قبیل نوسانات را بپذیرد.

- انعطاف‌پذیری قرارداد نسبت به تغییر رفتار مخزن. تمامی مهندسان مخزن بر این باورند که رفتار واقعی مخزن، مانند یک موجود زنده در حال تغییر است و نمی‌توان مطالعات اولیه و ابتدایی را به رفتار مخزن در طول عمر آن تعمیم داد. از این رو، امکان تغییر یا تعدیل روش‌های صیانتی در تولید از مخازن گاز میعانی محتمل خواهد بود. قراردادهای استفاده شده در توسعه و تولید از این مخازن باید نسبت به این تغییرات، انعطاف‌پذیری لازم را داشته باشند.

- به‌کارگیری دانش فنی در تولید صیانتی از مخازن گاز میعانی. در تقسیم‌بندی کلی، دانش فنی در عملیات بالادستی، شامل دو بخش است: اول، فرآیندهای فناورانه و دوم، تجهیزات فناورانه. با توجه به روش‌های صیانتی بهره‌برداری از مخازن گاز میعانی، دستیابی به فرآیندها و تجهیزات فناورانه می‌تواند تاثیر بسزایی در تولید صیانتی از مخزن بر جای گذارد. قرارداد انتخابی باید بتواند در این بخش کارآیی مناسب را ارائه کند. [۹]

در قراردادهای مشارکت در تولید، حاکمیت کامل شرکت‌های نفتی بین‌المللی بر تمامی عملیات بالادستی، تاثیر نامطلوبی در ویژگی‌های اول تا سوم دارد، زیرا شروع جریان تولید تجاری از میدان، این نوید را به شرکت عامل می‌دهد که سهم نفت سود و نفت هزینه‌ی خود را در بازه‌ی زمانی مقرر دریافت کند و اعمال هزینه‌های جدید برای این شرکت‌ها قابل پذیرش نیست. همچنین بازپرداخت این هزینه‌ها در بلندمدت امکان‌پذیر است. شرکت‌های نفتی بین‌المللی با هدف سود بیشتر وارد مذاکره با کشورهای دارنده‌ی نفت می‌شوند. این شرکت‌ها هنگام اجرای عملیات نفتی بالادستی تلاش چندانی در جهت رعایت اصول و موازین تولید صیانتی نمی‌کنند، زیرا این تلاش‌ها به کسب منفعت برای کشور میزبان منجر می‌شود و سودی برای آنها نخواهد داشت.

رعایت موازین تولید صیانتی در بلندمدت و در طول عمر مخزن اثربخش است و شرکت عامل تا زمان تسویه‌ی کامل قرارداد که اساساً کوتاه‌تر از عمر مخزن است، به اجرای این اصول تمایلی

این قراردادها برای کشور میزبان مطلوب است این که پیمانکار خارجی در استحصال نفت اصول تولید صیانتی را رعایت کند. ارزش اقتصادی استخراج در طول عمر مخزن به عنوان هدف طرفین قرارداد در قراردادهای نفتی است. استفاده‌ی حداکثری از مخازن، نیاز به منابع مالی و استفاده از فناوری روز دنیا دارد. با توجه به مولفه‌های تولید صیانتی و ماهیت قرارداد مشارکت در تولید در این قرارداد، ترتیبات لازم پیش‌بینی نشده است. فقط به حداکثر تولید اشاره کرده است و به سایر مولفه‌های تولید صیانتی از جمله بهره‌وری و تعادل، توجهی نداشته است. اگر صرفاً به حداکثر تولید توجه کنیم در اینجا برخی منافع کارفرما در خصوص بهره‌وری توضیح می‌شود و لذا باید بین حداکثرسازی و بهره‌وری تعادل ایجاد شود. به عبارت دیگر، منافع طرفین در رعایت تولید بهینه باید در نظر گرفته شود، یعنی تولید صیانتی را باید در هر سه مرحله اکتشاف، توسعه و تولید داشته باشیم.

بدین ترتیب پیشنهاد می‌شود گنجاندن شروطی از قبیل مطالعات جامع در منطقه‌ی قراردادی و ایجاد سازمان نظارتی، بر حسن اجرای قرارداد در حوزه‌ی تولید صیانتی و مدیریت ریسک در این حوزه می‌تواند راهگشا باشد. همچنین با درج شروطی پیمانکار را مجاب کرد در مقابل انجام تولید صیانتی سهم بیشتری از تولید به صورت درصدی ببرد. ■

نخواهد داشت. در صورت اجرای عملیات تولید به صورت صیانت شده، از یک سو، هزینه‌های فراوانی به شرکت نفتی تحمیل می‌شود و از سوی دیگر، حضور وی، تاثیر چندانی در تولید میدان نخواهد داشت. مضافاً اینکه در مدل قراردادی مشارکت در تولید، فضای چندانی برای الزام شرکت نفتی به رعایت اصول و موازین تولید صیانتی وجود ندارد. لذا شرکت نفتی نسبت به طرح یا طرح‌های اولیه، کمترین انعطاف‌پذیری را از خود نشان می‌دهد و در مقابل هر نوع تغییر، مقاومت خواهد کرد. به همین منظور شرکت نفتی سعی خواهد کرد که تا حد ممکن به صورت محرمانه عمل و از ارائه‌ی اطلاعات فنی که می‌تواند نشان‌دهنده‌ی ضرورت تغییر یا تعدیل در روش‌های صیانتی برداشت از مخزن باشد، خودداری کند. بررسی جزئیات عملیاتی که شرکت نفتی مسئولیت اجرای آن را دارد نیز، مستلزم وجود تشکیلات بزرگ فنی و مدیریتی است که در کوتاه‌مدت اجراشدنی نخواهد بود. [۹]

نتیجه گیری

قراردادهای نفتی بیشتر وسیله‌ای برای تحقق اهداف مالی و تامین مخارج دولت‌ها بوده است. در واقع قراردادهای نفتی جنبه‌ی تامین مالی داشته و درآمد آن مدنظر بوده تا سایر موارد از جمله تولید صیانتی. درج مواردی مانند استفاده‌ی بهینه از مخازن نفتی و رعایت تولید صیانتی از اهمیت کمتری برخوردار است. آنچه در

منابع

- [۱]. حاجی میرزایی، سیدمحمدعلی، امامی مبینی، علی، حسینی، سید مهدی، ابراهیمی، محسن، سوری، علی، ارائه‌ی چهارچوب نظری جهت ارزیابی قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی-مطالعه‌ی موردی: قراردادهای بیع‌مقابل ایران، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، ۱۳۹۵، سال دوازدهم، شماره پنجاه و یک، ۱۸۳-۱۸۴.
- [۲]. درخشان، مسعود، ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی-تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، ۱۳۹۲، سال سوم، شماره ۹-۲۱، ۳۰.
- [۳]. ابراهیمی، سید نصرالله، منتظر، مهدی و مسعودی، فرزاد، اصول حاکم بر قراردادهای خدماتی بالادستی صنعت نفت و گاز ایران، پژوهشنامه‌ی اقتصاد انرژی ایران، ۱۳۹۳، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۱.
- [4]. Ing, J., Production sharing agreements versus concession contracts, CER-ETH at ETHZ, 2014, Swiss Federal Institute of Technology Zurich, Zürichbergstrasse 18, 8092 Zurich, Switzerland, 2.
- [۵]. مبصر، داریوش و دیگران، موج دوم چالش‌های توسعه در صنعت نفت ایران، چ اول، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۱، ۱۲۵.
- [۶]. ربیعی، فرانک، حقوق قراردادها، چ اول، تهران: انتشارات بهنامی، ۱۳۸۱، ۵۹.
- [۷]. السعدی، فریدون، بررسی ظرفیت استخراج نفت‌خام ایران، وضعیت کنونی و چشم‌انداز ۱۴۰۴، مجله‌ی مجلس و پژوهش، فصلنامه‌ی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سال هجدهم، شماره ۶۶، ۱۳۹۰، ۴۳.
- [۸]. غفاری، علیرضا و تکلیف، عاطفه، کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی-گنبدشمالی: مدل مفهومی با تاکید بر الزامات حقوقی، پژوهش‌نامه‌ی اقتصاد انرژی ایران، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱۳۹۰، ۱۴۱.
- [۹]. کاظمی نجف‌آبادی، عباس و غفاری، علیرضا (۱۳۹۶) تحلیل کارآیی انواع قراردادهای بالادستی در تولید صیانتی از مخازن گاز معانی، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۳، ۱۳۹۶، ۹۴-۹۵.